



دانشگاه باقر العلوم «ع»

دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری

رشته فلسفه اسلامی

عنوان رساله:

نحوه تعلق علم به امور مادی از منظر فلسفه اسلامی

استاد راهنما:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی

استادان مشاور:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر عسکری سلیمانی امیری

حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

نگارش:

رضا قاسمیان

آذرماه

۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم «ع»
دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری
رشته فلسفه اسلامی

عنوان رساله:

نحوه تعلق علم به امور مادی از منظر فلسفه اسلامی

استاد راهنما:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی

استادان مشاور:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر عسکری سلیمانی امیری

حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

نگارش:

رضا قاسمیان

آذرماه

۱۳۹۲

يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِنَّا بِيضَاعَهُ مُزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ
وَ تَصَدَّقْ الْيَنَّا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ^۱

تقديم:

این وجیزه ناقابل را تقدیم می کنم به یگانه دوران؛ حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفدا) که تمام هستی بر محور وجود او چرخیده و ما هر چه هستیم و داریم از برکت وجود اوست (بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء) او که واسطه در هر افاضه ای از مبدء غیبی بوده و عقل فعال هم با اذن او مفیض صور عینی و علمیه گردیده است.

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

تقدیر و تشکر

سعی و تلاش تمام کسانی که قافله علم و معرفت (خصوصاً علوم الهی) را به اینجا رسانده اند قابل تقدیر است که حقیر در این میان از تمام کسانی که به نحوی از انحاء، چیزی به من آموخته اند و نقشی در شکوفا شدن نفس بالقوه ام داشته اند خصوصاً اساتید محترمی که بذل مساعی کردند تا این رساله به سرانجام خود برسد و به عنوان یک اثر علمی موجب حل مشکلی از معضلات معرفتی گردد تقدیر و تشکر ویژه دارم؛ اساتید محترمی که در مقام استاد راهنما و مشاور (حضرات حجج اسلام دکتر احمد واعظی (زید عزه) استاد محترم راهنما و دکتر عسکری سلیمانی و محمد مهدی گرجیان اساتید محترم مشاور) و نیز اساتید محترم داور (حضرات حجج اسلام دکتر علی شیروانی، دکتر محمد تقی یوسفی و دکتر فیروزجایی) حامی و کمک کار من بودند.

همچنین از خانواده عزیز خودم که در مدت تدوین رساله متحمل سختیهایی شدند و در عین حال با بزرگواری تحمل کردند کمال امتنان و سپاسگذاری دارم.

امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی این و جیزه ناقابل را از بنده کوچک خود قبول فرماید و آن را سرمایه روز جزا قرار دهد که «فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»

چکیده

«علم به امور مادی» نزد حکیمان مسلمان مساله ای سابقه دار و مهم بوده و کمتر حکیمی را می‌توان یافت که در این مساله ورود نکرده باشد. مراد از «مادی» هر آن چیزی است که متقوم به ماده باشد. حکمای اسلامی در خصوص این علم به دو گروه عمده تقسیم شده‌اند؛ حکمای مشاء و اغلب اصحاب حکمت متعالیه خصوصاً صدر المتالهین در بسیاری از آثار خود، مدافع حصولی بودن این علم در مورد انسان می‌باشند که بر اساس آن هنگام ادراک حسی شیء مادی، صورتی از آن در قوه ادراکی قرار گرفته و نسبتی حلولی یا صدوری با آن دارد و همین صورت مناط انکشاف خارج می‌گردد، در مقابل، حکمای اشراقی و صدرالمتالهین (در علم نفس به بدن و قوای بدنی خود) این علم را حضوری دانسته‌اند که بر اساس آن عین خارج مادی بدون استعانت از هر صورتی نزد انسان حاضر می‌شود. در علم حق تعالی به مادیات نیز این دو نگاه متفاوت وجود دارد، عمده مشائین از طریق ارتسام صورت های اشیاء در ذات واجب، و «علی نحو الکلی» آن را تبیین می‌کنند و در مقابل حکمای اشراق و اصحاب متعالیه این علم را حضوری می‌دانند با این تفاوت که اشراقیان این علم را همانند علم به مادیات به بصرار جاع داده‌اند ولی اصحاب حکمت متعالیه آن را از طریق علم به علت و [از طریق] وجود برتر و بسیط الحقیقه بیان می‌دارند. مساله واقع‌نمایی در علم حصولی با اشکالاتی مواجه است و در علم حضوری می‌توان آن را از طریق صورتگیری قوه خیال تبیین کرد. سخن حق در مورد علم، چه در انسان و چه در واجب، این است که این علم حضوری است و در واقع، اختلاط با ماده و ضعف وجودی شیء، مانع ادراک حضوری آن نیست، بعلاوه اینکه مجردات مادیات، آنها را به صورت جمعی و ثابت -ونه متفرق الوجود- ادراک می‌کنند.

کلیدواژه: علم حصولی، علم حضوری، مادی، علم خداوند، واقع‌نمایی، علم به مادیات

فصل اول :

کلیات، مفهوم شناسی و مبادی بحث

۱- کلیات

۱-۱- تبیین مساله :

بدون تردید تمام فیلسوفان اسلامی شناخت مادیات و تعلق علم به عالم ماده را ممکن می‌دانند هر چند در نحوه شناخت و حصولی بودن یا حضوری بودن این نوع علم اختلاف نظر وجود دارد .

مراد از علم حصولی علمی است که به وساطت صور و مفاهیم، حاصل شده باشد؛ صوری که در فضای قوه ادراکی قرار گرفته و واسطه در معلومیت شیء مادی می‌گردند .

و علم حضوری علمی است که قوه مدرکه حضورا و بدون وساطت هر نوع صورتی به عین خارجی آگاهی حاصل می‌کند .

لازم به ذکر است که در این رساله هنگامی که سخن از علم حضوری و حصولی می‌گوییم صرفا در پی تبیین این علم در مرتبه ادراک حسی بوده و ادراک خیالی، وهمی و عقلی از محل بحث ما خارج می‌باشد و اگر هم در جایی سخن از آن به میان آید استطرادی خواهد بود .

علم حصولی به امور مادی، امری است که مشاء به شدت طرفدار آن هستند و حتی علم واجب را هم بر اساس آن تبیین می‌کنند.^۱

^۱ ر.ک. محمد بن طرخان الفارابی (ابونصر فارابی)، المنطقیات للفارابی، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، ۳جلدی، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳ ص ۳۹۱ و ر.ک. حسین بن عبدالله سینا(ابن سینا)، الاشارات و التنبيهات در(شرح الاشارات و التنبيهات)، ۳جلدی، چاپ اول، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵ش ج ۳ ص ۳۰۳

در مقابل شیخ اشراق و حاجی سبزواری (البته در برخی موارد) قائل به حضوری بودن آن می‌باشند^۱، بیشتر عبارات و مبانی ملاصدرا گویای این مطلب است که وی مانند ابن سینا از معتقدین به علم حصولی است و برخی عبارات و مبانی دیگر وی، گویای پذیرش حضوری بودن علم به مادیات برای واجب الوجود و انسان است.^۲

۱-۲- نحوه تعلق علم به مادیات

ابن سینا این نوع علم را حلول صورتی از شی در قوه ادراکی می‌داند، بر اساس نظر وی قوه ادراکی در این نحوه ادراک، قابل محض بوده و مانند لوحی صورت شی خارجی - که در واقع ماهیت و مفهوم آن است - را می‌پذیرد^۳ و در نتیجه آن شی مادی معلوم نفس واقع می‌شود؛ در اینجا «معلوم بالعرض»، شیء خارجی و «معلوم بالذات»، همان صورت شی است که قیام انضمامی و حلولی به نفس دارد.

شیخ اشراق و اصحاب وی در ادراک حسی، علم حضوری به مادیات را می‌پذیرند؛ «معلوم بالذات» خود شی مادی بوده که نفس حضوراً آن را ادراک می‌کند^۴.

از نظر ملاصدرا و پیروان وی هم در ادراک حسی، نفس صورتی مماثل صورت شیء مادی در صقع خویش می‌سازد که از طریق علم به آن، شیء مادی هم معلوم واقع می‌شود در اینجا «معلوم بالذات» خود حقیقت علم و «معلوم بالعرض»، آن صورت و خود شی مادی است یعنی در این دیدگاه دو معلوم بالعرض وجود دارد یکی شیء مادی خارجی و دیگری صورت ذهنی ای که حاکی از آن است.^۵

^۱ - ر.ک. شهاب الدین یحیی بن حبش سهروردی (شیخ اشراق) التلویحات (در مجموعه مصنفات شیخ اشراق ج ۱) تصحیح هانری کربن، ۴ جلدی، چاپ چهارم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸ ش، صص ۷۲-۷۳ و ر.ک. (ملا) هادی سبزواری، تعلیقه الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه ، در (الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه)، ۹ جلدی، چاپ چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، صص ۱۸۰-۱۸۱

^۲ - ر.ک. شهاب الدین یحیی بن حبش سهروردی (شیخ اشراق) همان صص ۷۲-۷۳

^۳ - ر.ک. حسین بن عبدالله سینا، (ابن سینا)، المبدأ والمعاد، تصحیح عبدالله نورانی، تک جلدی، چاپ اول، موسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۶۱ ش، ص ۹۷

^۴ - ر.ک. شهاب الدین یحیی بن حبش سهروردی (شیخ اشراق) همان ص ۷۲

^۵ - ر.ک. صدرالدین محمد شیرازی، (صدر المتألهین)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه ، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، تک جلدی، چاپ دوم، مشهد، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۰ ش ص ۲۴۲ و ر.ک. (آیت الله) عبدالله جوادی آملی، ریحق مختوم، ده جلدی، چاپ چهارم قم، انتشارات اسراء ۱۳۸۹ ش، ح ۴ ص ۹۸.

۱-۳- فرایند ادراک

در فرآیند ادراک هم بین این حکما تفاوت وجود دارد؛ ابن سینا قائل به نظریه «تقشیر» است که طی آن نفس هنگام ادراک شیء مادی ماهیت آن را تصور کرده و آن را از غواشی و لواحق طی چند فرایند جدا می‌کند. در مرحله ادراک حسی نفس صورت شیء مادی را فقط از ماده جدا می‌کند ولی محاذات با شیء مادی در تحقق ادراک شرط است و عوارض دیگر نظیر کم و کیف و... نیز همراه شیء وارد فضای قوه ادراکی می‌شود.

در ادراک خیالی هم مانند ادراک حسی، صورت تعلقی به ماده ندارد و در عین حال محاذات هم شرط نیست، ولی عوارض دیگر وجود دارد.

در ادراک عقلی صورت از ماده و نیز همه عوارض دیگر بری شده به گونه ای که قابلیت صدق بر کثیرین را پیدا می‌کند.^۱

اما در نظر شیخ اشراق فقط نوعی اضافه اشراقی بین نفس و شیء مادی حاصل می‌شود به این معنی که نفس مشرف بر شیء مادی گشته و همین اشراق و اشراف سبب علم به آن می‌شود.^۲ شیخ اشراق این مطلب را ابتدا در ابصار تبیین می‌کند و لی مبانی وی، مقتضی تسری آن به ادراکات دیگر (لمسی، سمعی و... نیز هست.

اضافه اشراقیه به شیء مادی فقط در ادراک حسی حاصل می‌شود و در ادراکهای دیگر امر به گونه ای دیگر است؛ در ادراک خیالی نفس به عالمی منفصل از خود، که به آن «مثال منفصل» می‌گویند راه پیدا کرده و صورت خیالی شیء مادی را در آنجا مشاهده می‌نماید.^۳

در ادراک کلیات هم نفس موجود مفارق عقلی را ادراک می‌کند که با تجرید نفس، مجرد تام شده است.^۴

^۱- ر.ک. حسین بن عبدالله سینا، (ابن سینا)، رساله عیون الحکمه در (الرسائل)، تصحیح محسن بیدار فر، تک جلدی، بی‌جا، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۰ق، ص ۴۲

^۲- ر.ک. شهاب الدین یحیی بن حبش سهروردی (شیخ اشراق)، المشارع و المطارحات، در (مجموعه مصنفات شیخ اشراق ج ۱) ص ۴۸۶

^۳- ر.ک. شهاب الدین یحیی بن حبش سهروردی (شیخ اشراق)، حکمة الاشراق، در (مجموعه مصنفات شیخ اشراق ج ۲) ص ۲۰۹

^۴- ر.ک. شهاب الدین یحیی ابن حبش سهروردی (شیخ اشراق)، رساله یزدان شناخت در (مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۳) ص ۳۰۹

از نظر ملاصدرا هم اساساً چیزی از خارج در ذهن حلول نمی‌کند بلکه نفس هنگام احساس و تخیل شی‌مادی، صورتی متناسب با آن را، در صقع خویش می‌سازد و این صورت مناط کاشفیت شی‌خارجی است.^۱

در ادراک عقلی نیز نفس نوعی ارتقا پیدا کرده و با عقل فعال متحد می‌گردد که نتیجه آن مشاهده مفارق عقلی است که حقیقت شی‌مادی محسوب می‌شود.^۲

بنابراین بر خلاف نظریه مشاء که ذات نفس در آن ثابت و ساکن بود، در نگاه صدرا، نفس خود، ارتقا و تکامل پیدا کرده و مراحل ادراک را طی می‌کند که البته برخی از این مراحل با اشراق و فاعلیت نفس همراه است و در برخی دیگر نفس مشاهده گر است.^۳

در باب علم واجب به مادیات هم بین فلاسفه اختلاف نظر وجود دارد که ابن سینا از طریق علم به جزئیات مادی به نحو کلی و از طریق ارتسام صور این مسأله را حل می‌کند.^۴ شیخ اشراق به نحو ابصار و علم حضوری^۵ و ملاصدرا به نحو بسیط الحقیقه^۶ و از طریق علم به ذات و علامه طباطبائی نیز علاوه بر علم به ذات از طریق علم به ملکوت اشیاء^۷ - که همان مراتب عقلی و مثالی عالم هستی باشد - علم واجب به مادیات را اثبات و تبیین می‌نمایند.

ما انشاءالله در این رساله نحوه تعلق علم به مادیات رابه تفصیلی که گذشت هم در واجب الوجود و هم در ممکن الوجود در سه مکتب فلسفی به نحو مستوفایی بحث خواهیم کرد.

^۱ - ر.ک. صدرالدین محمد شیرازی، (صدر المتألهین)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ص ۲۴۲

^۲ - ر.ک. صدرالدین محمد شیرازی، (صدر المتألهین)، مفاتیح الغیب، تصحیح محمد خواجوی، چاپ اول، تک جلدی، تهران، موسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۳۳

^۳ - ر.ک. صدرالدین محمد شیرازی (صدر المتألهین) رساله اتحاد عاقل و معقول در (مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین) تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تک جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۵ش، ص ۷۴

^۴ - ر.ک. حسین بن عبدالله سینا، دانشنامه علایی (قسمت الهیات) تصحیح محمد مشکوه، ۲ جلدی، چاپ دوم، همدان، انتشارات دانشگاه ابن سینا، ۱۳۸۳ش، صص ۹۰-۹۱

و ر.ک. حسین بن عبدالله سینا (ابن سینا)، الإلهیات من کتاب الشفاء، تصحیح علامه حسن حسن زاده آملی، تک جلدی، چاپ ۱، تبلیغات اسلامی

۱-۴- سابقه تحقیق (کمبود و اشکالات آثار):

شاید بهترین آثاری که می‌توان در این زمینه فهرست کرد در درجه اول آثار حکمایی مثل ابن سینا و شیخ اشراق و ملاصدرا است ابن سینا در نفس شفا و نمط سوم اشارات و بخش علم در الهیات شفا و بخش علم واجب در همین آثار و نیز همین مباحث در نجات و تعلیقات و مباحثات نحوه تعلق علم پرداخته است شیخ اشراق نیز در تلویحات و المشارع والمطارحات و حکمه الاشراق علم حضوری نفس و نیز علم خداوند به امور مادی را مورد بحث قرار داده است . صدرالمتألهین در اسفار جلد ۱ بخش وجود ذهنی، جلد ۳ بحث علم، جلد ۶ بحث علم و خصوص علم واجب و جلد ۸

عباس عارفی، مطابقت صور ذهنی، تک جلدی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.

مباحث این کتاب عمدتاً پیرامون واقع‌نمایی ادراکات (تصورات و تصدیقات) و مطابقت آنها با خارج است اما در عین حال در آن به مباحثی هم پیرامون صورت‌های ادراکی و اوصاف آنها و نحوه ارتباط آنها با خارج بر می‌خوریم که از همین قسمت اخیر در رساله استفاده شد.

عبدالرسول عبودیت، در آمدی به نظام حکمت صدرایی، دو جلدی، چاپ اول، تهران و قم، انتشارات سمت و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.

کتاب نظام حکمت صدرایی در سه جلد، در بر گیرنده عمده مباحث فلسفه صدرایی است؛ نویسنده در جلد اول به بحث پیرامون اصالت وجود، تشکیک وجود، وجود رابط و مستقل و حرکت و در جلد دوم به علم حصولی و علم حضوری و ذات و صفات حق تعالی و علم حق تعالی در نظر صدرای پرداخته است که مباحث جلد دوم برای رساله بسیار قابل استفاده بود. جلد سوم این کتاب به بحث نفس اختصاص پیدا کرده و مباحثی چون تجرد نفس، تعریف نفس و قوای نفس و نحوه ادراک نفس و حدوث نفس و... در اندیشه صدرای (و در برخی موارد هم اندیشه ابن سینا) را در بر گرفته است.

محمد تقی فعالی، ادراک حسی در نظر ابن سینا: در این کتاب ادراک حسی از نظر ابن سینا بحث شده و عمده مباحثی که در آن آمده، مطالبی راجع به قوای ظاهری و باطنی و انحاء ادراکات (ادراک حسی، خیالی و...) در نظر ابن سینا است.

عبدالحسین خسرو پناه و علی پناهی آزاد، معرفت‌شناسی صدرایی

در این کتاب مباحثی پیرامون علم و معرفت از نظر صدرای بحث شده است از مهمترین مباحث مطروحه در این کتاب می‌توان به بحث تعریف علم، علم حضوری و حصولی، مبنای گروهی و نفی شکاکیت و... اشاره کرد.

و مقالاتی مانند :

عسکری سلیمانی امیری، حضوری بودن محسوسات، نشریه معرفت فلسفی، سال دوم، شماره سوم بهار ۱۳۸۴ ش.

مباحث این مقاله پیرامون علم حضوری و حصولی و اشکالات صدرالمتألهین بر علم حضوری شیخ اشراق و جواب‌های آن است؛ نویسنده در این اثر می‌کوشد تا با استفاده از مبانی صدرای، حضوری بودن محسوسات را نتیجه بگیرد

عزت مقصودی و قاسم کاکایی، وجود ذهنی از دیدگاه فیلسوفان مکتب شیراز، نشریه معرفت فلسفی شماره دوم زمستان ۱۳۸۶.

در این مقاله عمدتاً مباحثی پیرامون وجود ذهنی از دیدگاه حکمایی نظیر دوانی، دشتکی اول و دوم (صدرالدین و غیاث الدین) آمده است مباحثی که بیشتر از شروع تجرید دوانی و دشتکی اقتباس شده و نویسنده در نهایت به داوری می‌نشیند.

سید محمود نبویان، مجرد و مادی، معرفت فلسفی، سال چهارم، شماره سوم، بهار ۱۳۸۶

نویسنده در این مقاله کوشیده است تا ابتدا ملاک مادی بودن یک شیء را از نظر حکمای اسلامی نظیر علامه طباطبائی به دست دهد و در ادامه مباحثی پیرامون اوصاف مادیات را مورد بحث قرار داده است.

علی عابدی شاهرودی، علم و تقسیمات آن، نشریه کیهان اندیشه، مرداد و شهریور، ش ۷۳، ۱۳۷۶ ش.

در این مقاله نویسنده به ابداع نظریه جدیدی در خصوص علم حصولی و حضوری دست می‌یازد؛ از نظر وی می‌توان علمی داشت که نه حصولی باشد و نه حضوری که چنین علمی، علمی نفس الامری بوده و تمام چیستی آن مختص ذات واجب است. وی با تقسیم‌بندی علم حصولی و حضوری، به علم حصولی و جویی و امکانی، انحاء آن را به روشی ابداعی (در برخی موارد) و با استناد به آثار ملاصدرا به دست داده است؛ از نظر آقای عابدی شاهرودی. علم حضوری و حصولی لزوماً به معلومی تعلق می‌گیرد که موجود باشد حال چه در ذهن و چه در خارج، اما علم دیگری وجود دارد که مختص ذات واجب بوده به تمام مراتب واقع و نفس الامر تعلق می‌گیرد

منیره پلنگی، ادراک نفس نسبت به جزئیات محسوس و تجرد ادراک / خردنامه صدرا ش ۶۷

در این مقاله به صورت خیلی مختصر نفس و قوا و رابطه نفس با قوا و بدن و نقش آنها در ادراک و نحوه ادراک مادیات توسط نفس از دیدگاه صدرای مورد بحث قرار گرفته است و در واقع مقایسه‌ای بین نظر ابن سینا و ملاصدرا است.

نرگس نظر نژاد، صدر المتالهین و علم واجب به ماسوا/ خردنامه صدرا ش ۴۵

مقاله ای است به صورت بسیار مختصر علم واجب را در فلسفه اسلامی دنبال می کند

و پایان نامه هایی نظیر:

محمد حسین دهقانی، پژوهشی پیرامون علم واجب قبل الخلق، دفاع شده در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی .

در این رساله علم واجب مورد بررسی قرار گرفته است. البته آنچه در این پایان نامه آمده صرفاً علم پیشین الهی و نه علم مع الخلق در نظر حکمای اسلامی است.

سید محمد رضا مدرسی، علم حصولی (مبادی، احکام و تقسیمات اولیه آن)، دفاع شده در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی .

نویسنده این پایان نامه (کارشناسی ارشد) به تفصیل پیرامون علم حصولی به بحث نشست و اوصاف و اقسام آن را تفصیلاً مورد بحث قرار داده است.

حمید رضا نیا، علم حصولی و حضوری (ویژگیها و مقایسه ها، دفاع شده در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

در این پایان نامه (کارشناسی ارشد) به تعریف و ویژگی های علم حصولی و حضوری و اقسام هر یک و مقایسه آنها با یکدیگر، پرداخته شده و عمده مباحث آن پیرامون همین دو نحوه از علم در فلسفه اسلامی می باشد.

عبداللطیف عالمی، هستی شناسی علم از دیدگاه حکمای اسلامی، دفاع شده در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی . این پایان نامه (کارشناسی ارشد) علم را از جنبه هستی شناسی - و نه معرفت شناسی - مورد بررسی قرار داده و با تفصیل مباحث مربوط به علم را در فضای فلسفه اسلامی دنبال کرده است.

سعید رسالتی، علم خداند سبحان به جزئیات از دیدگاه مشاء و حکمت متعالیه، دفاع شده در دانشگاه باقر العلوم.

در این رساله علم واجب در دو مکتب مشاء و حکمت متعالیه مورد بررسی قرار گرفته و وجوه تمایز و اشتراک هر یک به دست داده شده و در پایان مقایسه ای هم صورت گرفته است.

۹- جنبه نوآوری موضوع :

این موضوع از آنجایی که علم به امور مادی را از حیث حصولی و حضوری بودن مفصل بر اساس تمام دیدگاه های مطرح در فلسفه اسلامی بررسی می کند و به تحقیقات پراکنده فیلسوفان انسجام بخشیده و نقاط ضعف و قوت آن را بیان می دارد بدون سابقه بوده و نو می باشد.

۱۰- اهداف تحقیق:

دو هدف از این رساله مد نظر است :

۱- پیشبرد مباحث معرفت شناسی در حوزه فلسفه اسلامی و ارائه آن به منظور اثبات ادعای غنای معارف معرفت شناسانه فلسفه اسلامی در سایه تبیین نحوه تعلق علم به امور مادی و کشف زوایای مبهم آن.

۲- تبیین مباحث مربوط به علم واجب و نحوه تعلق آن به امور مادی که خود خدمتی به الهیات بالمعنی الاخص - که از عالیتترین مباحث فلسفه اسلامی بوده - می باشد و باعث رواج بیشتر طرح اینگونه مباحث معنوی در فضای این نوع فلسفه می باشد.

۱۱- چارچوب نظری تحقیق :

این موضوع مطلق علم و ادراک انسان را اعم از علم به ذات و علم به معقولات و مجردات بحث نمی کند، حتی مطلق علم به امور مادی اعم از ادراک عقلی و وهمی و خیالی را نیز مورد بحث قرار نمی دهد بلکه فقط به ادراک حصولی و حضوری در حیطه ادراک حسی می پردازد، در علم مبادی عالیه نیز فقط همین جنبه حضوری و حصولی بودن علم (واجب و عقول) به مادیات مد نظر می باشد.

۱۲- سوال اصلی:

در نظر حکمای اسلامی علم به امور مادی چگونه تعلق می گیرد؟

۱۳- سوالات فرعی:

۱- منظور از مادیات چه سنخی از موجودات بوده و چه اوصافی دارند؟

۲- علم حضوری به مادیات چگونه تعلق می‌گیرد؟

۳- علم حصولی به مادیات چگونه تعلق می‌گیرد؟

۴- مساله واقع‌نمایی و مطابقت در علم به امور مادی چگونه است؟

۵- تعلق علم واجب به مادیات به چه نحو است؟

۱۴- فرضیه‌های تحقیق:

در نظر برخی حکمای اسلامی علم انسان به مادیات حضوری و نزد برخی دیگر حصولی است.

۲- مادیات می‌توانند حضوراً توسط انسان ادراک شوند.

۳- علم واجب به مادیات حضوری است.

۴- ارزش معرفتی علوم حضوری و جنبه واقع‌نمایی آن بیشتر از علوم حصولی است.

۵- ماده مانع ادراک نیست.

۱۵- روش انجام تحقیق:

روش پژوهش در این اثر، توصیفی بوده و اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است که ابزار

این گردآوری فیش می‌باشد.

۲- مفهوم شناسی و مبادی بحث

۲-۱- تعریف علم

علم از حقایقی است که نمی توان از آن تعریفی حقیقی به دست داد^۱ بنابراین آنچه در آثار حکما در معرفی علم گفته شده صرفاً شرح الاسم و تعریف لفظی علم می باشد.

دلیل این امر آن است که، از آنجایی که تعاریف همواره در حیطه اشیاء ذهنی بوده و جهت شناساندن ماهیات کلی ذهنی بکار می روند محال است که بتوانند معرف اشیای غیرذهنی و خارجی مانند علم باشند که از سنخ وجود بوده و امر ماهوی نمی باشد و حقایق وجودی ای که عین خارجیت و منشأ آثارند و هیچگاه از موطن خود (خارج) نقل مکان نکرده و وارد ذهن نمی شوند تا متصف به اوصاف موجودات ذهنی گردند.^۲

بعلاوه تعاریف یا حدی هستند و یا رسمی؛ تعاریف حدی از ذاتیات شیء (جنس و فصل و یا فصل به تنهایی) و تعاریف رسمی از برخی ذاتیات و اعراض خاصه تشکیل می شوند. حقیقت علم قابل تعریف حدی نیست زیرا اولاً اجزای تعاریف حدی (جنس و فصل) هر دو «کلی» می باشند، در حالی که حقیقت علم به خاطر وجودی بودن، شخص و جزئی است و تعریف امر شخصی، به وسیله مفاهیم کلی امکانپذیر نیست و ثانیاً جنس و فصل اجزای ماهوی شیء اند یعنی چیزی را می توان با جنس و فصلش تعریف کرد که اولاً ماهوی باشد و ثانیاً مرکب و دارای جزء باشد تا با شناخت اجزایش شناخته شود، در حالی که حقیقت علم به خاطر وجودی بودنش، دارای ماهیت نیست تا مرکب بوده و جنس و فصل داشته باشد، بلکه حقیقتی بسیط و فاقد اجزاء می باشد.^۳

اما حقیقت علم را با تعریف رسمی هم نمی توان شناخت و شناساند زیرا گرچه در تعریف رسمی وجود اجزاء ذاتی ضرورت ندارد اما یکی از شرایط «معرف» اینست که از «معرف» اجلی و اعرف باشد در حالی که چیزی اعرف و شناخته شده تر از علم نیست؛ چطور چیزی اعرف از علم باشد در حالی که همه چیزها بوسیله علم شناخته و ظاهر می شوند و اوست که آشکار کننده اشیاء نهان است. بنابراین مفهوم علم

^۱ - ر.ک. صدرالدین محمد شیرازی، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه ج ۳ ص ۲۷۸

^۲ - همان

^۳ - همان

به هیچ نحوی از انحاء تعریف (چه حدی و چه رسمی)، قابل تعریف نیست و حقیقت آن نیز صرفاً از طریق ادراک حضوری قابل شناخت است و از این جهت تابع حقیقت وجود است.^۱

با این حال در آثار حکما تعاریفی برای علم ذکر شده که همان طور که گذشت نوعاً تعاریف لفظی است و ما به طور اجمال به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- علم عبارت است از صورت حاصل در ذهن از اشیاء^۲

۲- علم عبارت است از اضافه بین عالم و معلوم یا عالم با صورت ذهنی^۳

۳- علم عبارت است از ظهور شیء برای شیئی دیگر^۴

۴- علم عبارت است از وجود اما نه هر وجودی بلکه وجود مجرد از ماده و غواشی مادی^۵

۵- علم عبارت است از حضور شیئی (مجردی) نزد شیئی (مجردی) دیگر^۶

۲-۲- تقسیمات علم

به طور کلی علم دارای چند نوع تقسیم است که عبارتند از: علم واجب و ممکن، علم بالوجه و علم بالکنه، علم بسیط و مرکب، علم اجمالی و تفصیلی و علم حصولی و حضوری، که در بین این اقسام جز علم حصولی و حضوری، دیگر اقسام به بحث ما مرتبط نبوده و بحث از آن مجال دیگری می‌طلبد. لذا ما در این فصل تحت عنوان کلیات بحث، صرفاً قدری پیرامون علم حصولی و حضوری که مرتبط به مباحث عمده پژوهش حاضر می‌باشد بحث خواهیم کرد.

۱- ر.ک. صدرالدین محمد شیرازی (صدرالمتألهین) الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه ج ۳ ص ۲۷۸

۲- ر.ک. حسین بن عبدالله سینا (ابن سینا) رساله العرشیه فی توحیده وصفاته، در (الرسائل)، ص ۲۴۶

۳- ر.ک. فخرالدین عمر رازی (فخر رازی)، شرح الاشارات والتنبیها ج ۲ ص ۲۳۲

۴- ر.ک. صدرالدین دشتکی، شواکل الحور فی شرح هیاکل النور در (ثلاث رسائل)، تصحیح سید احمد توپسرکانی، تک‌جلدی، چاپ اول، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۸

۵- ر.ک. صدر الدین محمد شیرازی، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه ج ۳ ص ۲۹۲

۶- ر.ک. سید محمد حسین طباطبائی (علامه طباطبائی) نهاییه الحکمه ص ۳۵۱